

پیکر بیجان دختری میان نرده‌های پنجره کلاس

گزارش «اعتماد» از مرگ ناگوار
دانش‌آموز 9 ساله مشهدی

یکی از اعضای شورای روستای
جنبه دراز: سه‌لانگاری مدیر
مدرسه و آموزش و پرورش این
حادثه را رقم زد

بهاره شبانکارئیان

پس از دو ساعت پرس و جو از همکلاسی‌هایش به تنها جایی که فکرشان رسید مدرسه فرزندشان بود، اما وقتی وارد مدرسه شدند با صحنه دلخراشی روبه‌رو شدند که قلب‌شان را از جا کند. دخترشان در حالی که سرش میان حفاظ‌های پنجره کلاس درس گیر کرده، جان داده بود.

چند روز پیش؛ پنجشنبه ۱۷ فروردین برخی خبرگزاری‌ها این‌گونه اعلام کردند: «دانش‌آموزی ۹ ساله در روستای جنبه دراز واقع در مشهد وقتی کلاس درسش تمام می‌شود با همکلاسی‌های دیگرش از کلاس خارج و چون لوازم التحریرش را در کلاس جا گذاشته بود مجدد به کلاس برمی‌گردد. به همین دلیل هم در کلاس جا می‌ماند و مدیر مدرسه در سالن را قفل می‌کند و از مدرسه خارج می‌شود. دانش‌آموز هم برای اینکه بتواند از مدرسه خارج شود از حفاظ پنجره کلاس آویزان می‌شود ولی سرش میان نرده‌ها گیر می‌کند و همین موضوع باعث خفه شدن این دانش‌آموز می‌شود.»
با انتشار این خبر «اعتماد» درصدد برآمد تا برای دسترسی به جزئیات بیشتر، موضوع را پیگیری کند، چراکه بر اساس اخبار منتشر شده؛ «مدیر مدرسه داخل کلاس‌ها را وارسی نکرده است.»
«مجید بیکی»، بخشدار احمدآباد شهرستان مشهد از مرگ وحشتناک یک

دانش‌آموز ۹ ساله خبر داد و گفت: «يك دانش‌آموز ۹ ساله پس از پایان کلاس در مدرسه سه کلاسه روستاي جنبه دراز جا مي‌ماند و مدير مدرسه، در مدرسه را قفل مي‌کند و مي‌رود. والدين و بستگان دانش‌آموز حوالي ساعت ۲ ظهر براي يافتن كودك به مدرسه مراجعه و مشاهده مي‌کنند که كودكشان از ناحیه گردن از حفاظ پنجره کلاس آویزان شده است، ظاهراً این دانش‌آموز پس از آنکه با در بسته مدرسه مواجه مي‌شود، جهت کمک خواستن يا خروج از پنجره کلاس سرش میان میله‌هاي حفاظ گیر مي‌کند و خفه مي‌شود. دانش‌آموز به وسیله بستگان به مرکز جامع سلامت شهري ملك‌آباد منتقل مي‌شود، اما بر اساس اعلام پزشك كشيک و کادر اورژانس، دانش‌آموز هنگام رسیدن به مرکز بهداشت فاقد علايم حياتي بوده است. عمليات احياي دانش‌آموز توسط پرسنل اورژانس و کادر مرکز بهداشت به مدت ۵۰ دقيقه انجام مي‌شود اما احياي كودك محقق نمي‌شود و فوت اعلام مي‌شود. پس از حادثه بازپرس و قاضي مربوطه در محل حادثه حضور پيدا کرده و تحقيقات قضايي درباره علت دقيق اين حادثه ناگوار آغاز مي‌شود، صحنه حادثه بازسازي شده و افراد دخیل در این خصوص از جمله مدير مدرسه به عنوان مسوول اصلي آموزشگاه و مدير آموزش و پرورش بخش، براي ارايه توضيحات خواسته شده‌اند. بر اساس مشاهدات و اظهارنظر بستگان متوفي و افراد حاضر در محل خفگی دانش‌آموز بر اثر فشار میله‌هاي حفاظ پنجره بوده است، اما براي روشن شدن علت قطعي فوت پيکر به پزشکی قانوني منتقل شده تا دلایل قطعي فوت از سوي پزشکی قانوني اعلام شود.»

همچنین «محمد علی‌شاهی»، رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی مشهد درباره این خبر گفت: «پس از وقوع این حادثه، دختر ۹ ساله توسط خانواده به درمانگاه ملك‌آباد برده مي‌شود و کادر پزشکی این درمانگاه بلافاصله عمليات احيا را شروع مي‌کنند و سپس کادر پزشکی درمانگاه براي کمک با اورژانس مشهد تماس مي‌گیرند که همکاران اورژانس به درمانگاه مراجعه مي‌کنند. با توجه به اینکه این دختر بچه فاقد علايم حياتي بوده است اورژانس همراه با پزشك و تیم درمانگاه به مدت ۵۰ دقيقه به احياي بیمار مي‌پردازند اما تلاش‌هاي کادر درمان جواب نداده و متأسفانه فوت دختر بچه تايد مي‌شود.»

«حسین محمدزاده»، رییس اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومي آموزش و پرورش خراسان رضوي نیز در واکنش به این خبر گفت: «ظهر چهارشنبه ۱۶ فروردین پس از اتمام وقت قانوني مدرسه تمامی دانش‌آموزان مدرسه را ترك کردند و مدير بعد از تخلیه کامل مدرسه در را قفل و از محل خارج شده است. آن‌طور که مدير مدرسه اظهار کرده این دانش‌آموز از وسایلی چیزی را در مدرسه جا گذاشته که مجدد به محل باز مي‌گردد.

او بیان کرده که احتمالاً دانش‌آموز در این بازه زمانی به دلیل نامشخص از باز بودن در استفاده کرده و وارد کلاس شده است. مدیر پس از برداشتن وسایلش در را قفل و مدرسه را ترک کرده است. دانش‌آموز که خودش را در مدرسه تنها دیده احساس ترس کرده و تلاش کرده از طریق پنجره کلاس خودش را نجات دهد که متأسفانه سرش میان میله‌های حفاظ گیر می‌کند و خفه می‌شود. والدین و بستگان دانش‌آموز پس از گذشت حدود دو ساعت که از او خبری نشده نگران می‌شوند و به مدرسه مراجعه می‌کنند و با سر آویزان دختر ۹ ساله‌شان میان نرده‌های پنجره کلاس روبه‌رو می‌شوند.»



متهم کردن مدیر مدرسه به سهل‌انگاری

عموی «زهرا» دانش‌آموز ۹ ساله مشهدی در مورد این حادثه تلخ به «اعتماد» می‌گوید: «برادرم دو فرزند دارد. زهرا فرزند دوم خانواده بود. کلاس سوم بود، نه کلاس اول، چون در برخی خبرها منتشر شده که زهرا کلاس اول دبستان بود. چهارشنبه شانزدهم فروردین وقتی پدر و مادر زهرا متوجه می‌شوند دخترشان به خانه نیامده تمام روستا را می‌گردند. اول هم به در خانه همکلاسی‌های او می‌روند و وقتی می‌بینند هیچ‌کس از زهرا خبر ندارد به مدرسه‌اش می‌روند. آنجا بدن زهرا را آویزان میان حفاظ‌های پنجره کلاس درس می‌بینند. سر بچه میان حفاظ گیر کرده و خفه شده بود.» (گریه می‌کند. بعد از چند ثانیه به سوالات دیگر پاسخ می‌دهد)

در خبرها منتشر شده؛ وقتی همه از مدرسه خارج می‌شوند او هم خارج می‌شود و بعد از اینکه متوجه می‌شود لوازم‌التحریرش را در کلاس جا گذاشته به کلاس درس برمی‌گردد. برای همین مدیر مدرسه فکر می‌کند تمام بچه‌ها از مدرسه خارج شدند. زهرا هم برای اینکه خود را از مدرسه خارج کند یک صندلی زیر پایش می‌گذارد و تلاش می‌کند خود را از میان حفاظ پنجره به حیاط مدرسه برساند. همین می‌شود که سرش میان حفاظ گیر می‌کند و خفه می‌شود. خب با توجه به اینکه آن لحظه هیچ‌کس در مدرسه حضور نداشته، این جزییات را چه کسی عنوان کرده است؟ سوال ما هم همین است. این جزییات شاید منتشر شده تا از مسوولیت

مدیر و معلم مدرسه کم شود. این صحبت‌ها را ما از یکی از اعضای شورای روستا شنیدیم، اما آنچه خواهرزاده‌ام درباره آن روز می‌گوید؛ این است: «بچه‌ها همه از مدرسه خارج شده بودند، ولی زهرا در کلاس مانده بود تا تکالیفش را از روی تخته سیاه بنویسد. به زهرا گفتم؛ بلند شو تا به خانه برویم و او گفت؛ چند خط دیگر مانده. بنویسم، می‌آیم.» خواهرزاده‌ام از مدرسه خارج می‌شود تا به خانه برود. جلوی در مدرسه می‌بیند که دو معلم‌شان (با هم خواهر هستند) ایستاده‌اند و منتظر ماشین هستند تا بروند. حالا نمی‌دانم اینها عجله داشتند یا چي که کلاس‌هاي درس را چك نکردند. این اتفاق فقط سهلانگاری بود. چطور مدیر مدرسه قبل از خارج شدن، کلاس‌ها را واریسی نکرده است؟ ادعای مدیر این است که قبل از خارج شدن از مدرسه کلاس‌ها را چك کرده و از قول دانش‌آموزان دیگر گفته که همه بچه‌ها دیدند زهرا از مدرسه خارج شده و دوباره به سمت کلاس برگشته. اصلاً چنین چیزی نیست. در يك کلاس پانزده، بیست متری عذر می‌خواهم مرحومه کتاب و دفتر که نبود در کتو مانده باشد و کسی متوجه نشود. پس اگر مدیر کلاس‌ها را چك می‌کرد چنین اتفاقی رخ نمی‌داد.

مدرسه فراش نداشت؟

نه، قرار بود این دانش‌آموزان برای مدت يك هفته در این مدرسه حضور پیدا کنند، چون خیري که این مدرسه را افتتاح کرده بود، دوست داشت حضور دانش‌آموزان در این مدرسه را ببیند. این مدرسه تازه تاسیس شده است.

در مورد روز حادثه مادر و پدر این دختر چه می‌گویند؟

زهرا پانزده تا همکلاسی داشت. خانه این پانزده همکلاسی را پدر و مادرش سر زدند تا از زهرا خبر بگیرند اما هیچ کدام از او خبری نداشتند. آخر سر به فکرشان رسید که به مدرسه بروند. همین که وارد مدرسه می‌شوند، می‌بینند بچه‌شان لای حفاظ پنجره آویزان است. (گریه می‌کند و نمی‌تواند حرف بزند. بعد از چند لحظه مجدد صحبت می‌کند) بچه عقلش نرسیده بود. برای همین اول بدنش را از لای نرده‌ها رد می‌کند و سپس سرش را. سرش هم گیر می‌کند و با پاهایی آویزان میان نرده‌های پنجره خفه می‌شود.

خانواده‌اش وقتی با این صحنه روبه‌رو شدند چه کار کردند؟

با سنگ و میله نرده‌ها را باز کردند تا توانستند جسد زهرا را بیرون بکشند. بعد با من تماس گرفتند. من هم خودم را به خانه بهداشت ملک‌آباد رساندم ولی کار از کار گذشته بود. زهرا همان موقع که لای حفاظ پنجره گیر کرده، جانش را از دست داده بود.

خانواده زهرا شکایت نکردند؟

فعلاً که شکایت نکردند، اما پیگیر قضیه هستیم.

مقصر اصلي آموزش و پرورش است

يکي از اعضاي شوراي اين روستا (جنبه دراز) که نخواست نامش در اين گزارش قيد شود در واکنش به اين حادثه به «اعتماد» مي‌گويد: «مدرسه شهيد عبداللهي تازه تاسيس شده است. سه کلاس دارد با ظرفيت 50 دانش‌آموز. مدرسه فراش ندارد. هفته‌اي دو بار فراش مي‌آيد آن هم بعد از ساعت اداري مدرسه را نظافت مي‌کند و مي‌رود. روز حادثه هيچ کس در مدرسه نبوده و اين بچه در کلاس جا مي‌ماند و اين اتفاق مي‌افتد. مدير مدرسه ادعا کرده که کلاسها را قبل از خروجش چک کرده، اما چه جوري چک کرده که اين بچه را ندیده! اين وظيفه مدير است که قبل از خارج شدن از مدرسه کلاسها را چک کند، شيرها را چک کند که مبادا آب چکه کند، برق را چک کند... پس چرا مدير حقوق مي‌گيرد؟ براي همين کارها، اما مدير در اين کارها کوتاهي کرده و بچه از ترس اينکه تنها در مدرسه مانده، خواسته خودش را هر جور شده از پنجره به حياط مدرسه برساند.»

اين عضو شورا در مورد اين مدرسه مي‌گويد: «زيربناي اين مدرسه فقط 100 متر است. حفاظهاي اين مدرسه و خيلي موارد ديگر آن استاندارد نيست. اين چه حفاظي است که بچه مي‌تواند از آن عبور کند؟ به نظر من مقصر اول اين حادثه آموزش و پرورش است، چون بايد مدرسه را کامل تحويل مي‌داد. يك مدرسه قديمي هم در همين روستا داريم که اوایل انقلاب ساخته شد. زماني که امکانات کمتری هم نسبت به الان بوده، اما مدرسه کاملاً استاندارد است. پله‌هايي که براي ورودي اين مدرسه تازه تاسيس زدند ارتفاعش زيادتر از حد معمول است. به طوري که بچه‌ها بايد پاي‌شان را بلند کنند تا از پله‌ها بالا بروند. يعني در يخبندان و سرما امکان دارد اين بچه‌ها پاي‌شان ليز بخورد و به زمين بخورند. کنار حياط همين مدرسه يك پرتگاه است با ارتفاع حدوداً دو متر. خب بچه‌ها اگر هنگام بازي حواسشان نباشد و در اين پرتگاه بيفتند، کارشان تمام است. در کل اين مدرسه هيچ امکاناتي ندارد. ببينيد اگر حفاظهاي مدرسه استاندارد بودند اين بچه دو روز هم در کلاس مي‌ماند هيچ اتفاقي برايش نمي‌افتاد. من نمي‌گويم مدير مقصر نيست او هم بايد کلاسها را چک مي‌کرده، اما مقصر اصلي آموزش و پرورش است که بايد مدرسه را با امکانات کامل تحويل مدير و معلم مي‌داده، چون مدرسه براي بچه‌هاست. آدم بزرگ که نمي‌خواسته در اين مدرسه درس بخواند. يك مشت بچه هستند و وقتي مثل اين ماجرا دانش‌آموز احساس ترس مي‌کند، مي‌خواهد خودش را از اين طريق نجات بدهد. خير بنده خدائي دو ميليارد تومان هزينه اين مدرسه کرده، خب آموزش و پرورش اين هزينه را چه کار کرده است؟ کاش از نزديک مي‌آمدید و اين مدرسه تازه تاسيس را بازديد مي‌کردید.»

منبع: روزنامه اعتماد 21 فروردی 1401 □□□□□□